

ریسک و مسائل اخلاقی آن با تاکید بر توجیه و مقبولیت

معصومه موحدنیا^۱

چکیده

فلاسفه اخلاق برآنند، که زندگی خیر و نیک انسانی سامان یابد، سامان یافتن زندگی انسان از طریق هدایت رفتار و تصمیمات که مجموع زندگی انسان را سامان می دهد، اتفاق می افتد. سود گرایی با معطوف ساختن اندیشه به نتایج فعل، وظیفه گرا با تاکید بر خود فعل... سعی در هدایت تصمیمات انسان دارند، اما همه اینها در شرایط متعین امکان دارد. در شرایطی که انسان به نتایج فعل آگاهی کامل ندارد، و یا به خصوصیات فعل اشراف ندارد، چگونه تصمیم بگیرد. در این شرایط با نوعی ریسک مواجه است. ریسک در لغت خطر و خطرآفرینی است، اما در اصطلاح به "تصمیم در شرایط عدم اطمینان" و "فعلی با پیامدها و صدمات ناخواسته اطلاق می شود. در این شرایط هدایت رفتار مشکل است، زیرا انسان به وضعیتی که فعل در آن قرار می گیرد، وقوف کامل نداشته و خصوصیات آن را نمی داند، بنا براین ممکن است که تصمیمات و رفتار انسان خطری را به دیگران "تحمیل" کند. فیلسوفان اخلاق به تصمیم در شرایط ریسک کمتر توجه نموده اند. از این رو تطبیق معیار های اخلاقی در این شرایط بر مصادیقشان مشکل است و تصمیم در شرایط ریسک، مسائل اخلاقی را ایجاد می کند که ضرورت دارد، فلاسفه اخلاق راهکاری برای آن بیابند. مسائلی مانند "امکان توجیه تحمیل ریسک"، "مقبولیت ریسک". ریسک از مولفه های گوناگون ترکیب شده، مانند؛ حد و مرز ریسک، در معرض ریسک، تصمیم گیرنده ریسک، سود برنده از ریسک، ... سخن از توجیه ریسک و مقبولیت ریسک در هر یک از مولفه های مذکور می تواند بررسی شود. یک بررسی جامع، نیاز به شیوه ترکیبی است. که مولفه های اختیار، آگاهی، انصاف و عدالت سبب عقلانیت ریسک شده و مولفه سودمند بودن، امکان جبران صدمه و خطر احتمالی، حفظ حقوق اساسی فرد و یا افراد سبب مقبولیت ریسک را شامل می شود.

کلیدواژه‌ها

ریسک، تصمیم، توجیه، مقبولیت.

طرح مسأله

چگونه می‌توان در شرایط ریسک تصمیم گرفت، چگونه می‌توان معیارهای های فلاسفه را در این شرایط بر مصادیق تطبیق داد، چه شیوه در این شرایط باید برگزید. گرچه فلاسفه اخلاق به تصمیم در این شرایط کمتر توجه نموده‌اند (Christian.Munthe:2011) ۵۸)، (Asveld and Roeser:2009) ۱۹)، اما این نوشتار تلاش دارد که با شیوه فلاسفه به تبیین مسائل اخلاقی ریسک بپردازد.

این طرح ساده‌ای است که انسان ناچار به تصمیم است، زیرا نمی‌توان همه شرایط را آنگونه که می‌خواهد ساماندهد، فقط می‌تواند روشی را در تصمیم انتخاب کند که به صدمات کمتری منجر شود. از جمله این روش که برخی نویسندگان معرفی کرده‌اند، تفکیک بین کسانی که در معرض ریسکند، و کسانی که تصمیم می‌گیرند، و کسانی که از ریسک سود می‌برند، عده‌ای دیگر به سعی کرده‌اند که با استفاده از معیارهای درست ساز و نادرست ساز فعل، بین ریسک روا و ناروا تمایز بگذارند، ما از این نگرشها به عنوان شیوه‌هایی برای تبیین احکام اخلاقی ریسک یاد کرده‌ایم، و از این شیوه برای توجیه تحمیل ریسک، و مقبولیت ریسک استفاده نموده‌ایم.

ریسک معنای ثابتی نداشته و از این رو نویسندگان معانی متفاوتی برای ریسک ارائه کرده‌اند و تبیین مفهوم ریسک خود نوشتاری مفصل را می‌طلبند. ریسک به معنای "خطر"، "صدمه"، "پیامد ناخواسته"، "پیامد احتمالی"، "عامل نامعین"، "تصمیم در شرایط عدم اطمینان" و "تعیین میزان صدمه و شدت احتمال خطر و یا پیامد ناخواسته یک فعل است" بکار رفته است، دو معنای اخیر معنایی تکنیکی و فنی است که در علوم بکار می‌رود و دیگر معنای، عرفی آن است. و هنگامی که از "تحلیل ریسک" سخن به میان می‌آید، به آخرین معنا مرتبط است و به همین دلیل برخی **تحلیل ریسک** را "استفاده نظام مند از اطلاعات در دسترس برای شناسایی و تخمین خطر بالقوه یا بالفعل برای افراد یا عموم مردم" می‌دانند. ۱. (Hillerbrand:2011) ۵۸ و (Asveld and Roeser:2009) ۱۳) اما در این نوشتار هر گاه از ریسک سخنی به میان می‌آید، ریسک معنای عام مراد است، یعنی معنی که شامل خطر و صدمه و پیامد ناخواسته و تصمیم در شرایط نامعین و میزان احتمال خطرو پیامد ناخواسته می‌شود.

1. The systematic use of available information to identify hazards and to estimate the risk to individuals or populations, property, or the environment

۱. شیوه های متفاوت برای تبیین احکام اخلاقی ریسک

تصمیمات در شرایط ریسک، اگر به دیگران و محیط زیست مربوط باشد، ممکن است که سرانجام و پیامد های ناگواری داشته باشد، کارخانه ای که مواد دارویی را که ممکن است خطر آفرین باشد، تولید می کند، مدیری در استخدام افراد ممکن است حقی را ضایع و یا صدمه ای را بر سازمان تحمیل کند، از این رو تصمیم در شرایط ریسکی، نوعی "تحمیل ریسک" به دیگران محسوب شده است.

شاید به صراحت نتوان قضاوت نمود، که تصمیم در حالت ریسک، ممنوع و یا رواست، و برای داوری و حکم اخلاقی خصوصیات بیشتری و اطلاعات دقیق تری از ریسک لازم باشد تا اینجا جنبه های مختلف ریسک مبهم بوده و برای پاسخ مناسب به نظر می رسد که نخست جنبه های مختلف ریسک را و سپس احکام اخلاقی ریسک مانند توجیه، مقبولیت و مسئولیت اخلاقی بررسی کرد:

بررسی نوشتارهایی که به نوعی در باره مباحث خطر آفرین برای انسان مربوط است، رویکرد های متفاوتی یافت می شود، که در مجموع می توان به رویکرد های زیر اشاره کرد:

۱. هلن هرمنسون^۱ برای تبیین احکام اخلاقی، ریسک بین سه گروه تمایز نهاده است:

نخست: ریسک کننده و تصمیم گیرنده ریسک؛

دوم: در معرض ریسک؛ که فعل و یا تصمیمی ممکن است برای او نتایج ناخوشایند / صدمه داشته باشد؛

سوم: سود برنده از ریسک: کسی یا جمعی که تصمیمات ریسکی، برای او صدمه نداشته و یا پیامد دلخواه و سود داشته است. (Asveld and Roeser:2009.P17)

تفکیک یاده شده از ان جهت واجد اهمیت است، که گاه انسان تصمیمی می گیرد که بازتاب صدمه و پیامد ان به خود او بر می گردد و سود محتمل هم به خود او بر می گردد، در اینجا در حقیقت فرد با تصمیم فردی روبروست که مسئول نتایج ان خود اوست، و اخلاقی بودن ان تصمیم در مقایسه با موردی که تصمیم این شخص، فردی و یا اجتماعی بوده، اما ضرر محتمل به تنهایی به خود او بر نمی گردد و بر دیگران هم تاثیر می گذارد و یا همه نتایج ان به دیگران بر می گردد، شرایط بهتری دارد.

اما به نظر می رسد که این تفکیک برای استخراج احکام اخلاقی تحمیل ریسک کافی نیست و لازم است که مواردی که دیگر نویسندگان در حوزه ریسک مورد تدقیق قرار داده اند، توجه نمود. زیرا فارغ از اینکه تصمیم گیرنده کیست، و نتایج چنین تصمیمی به چه شخصی بر

میگردد، از این رو برای تمایز بین وضعیت ریسکی و غیر ریسکی به ملاک و معیاری نیاز است ، تا مشخص شود که حد مرز ریسک کردن و صدمه زدن چیست؟ (Jeanne X. Kasperson and Roger E. Kasperson:2005)

۲. **رابرت نوزیک**؛ ضمن قبول تلویحی نظریه قانون طبیعی؛ این نظریه از این جهت که در شرایط ریسکی به جنبه جبران پذیر و ناپذیری خطرات افعال توجه ننموده ، ۱ مورد نقد قرار داده و افعال را به طور کلی بر مبنای جبران پذیری، به سه قسم تقسیم نموده است:

الف: فعلی که در صورت جبران ، ممکن است حقی را نقض کرده باشد، از این رو ممنوع بوده و قابل مجازات است.

ب: فعلی که به شرط جبران حق کسانی که حششان را نقض کرده، مجاز است؛

ج: فعلی که مشروط به اینکه نسبت به تمام اشخاصی که ریسک را تحمل کرده اند خواه حقی را نقض کرده یا نکرده باشد، جبران شود مجاز است :

عبارت اشخاصی که در معرض ریسکند، نشان می دهد که وی به در معرض ریسک توجه داشته و نگرانی اخلاقی وی به در معرض ریسک ها مربوط است، اما علاوه براین، وی "حق طبیعی" را به عنوان معیاری برای صدمه و خطر فرض کرده و به "امکان جبران و عدم امکان جبران" نیز به عنوان مولفه های موثر در در روایی و ناروایی ریسک توجه نموده است.

از اینرو می توان گفت که امکان نقض حقوق ، از یک سو و امکان جبران از سوی دیگر ، مولفه های دیگری برای روایی و ناروایی تصمیمات در شرایط عدم اطمینانند. و بخشی از ملاک های اخلاقی برای تعیین حکم اخلاقی اینگونه تصمیمات و رفتار هاینند، ریسک از این جهت به ممنوع و روا، جبران پذیر و ناپذیر تقسیم می شود. اما پرسش اساسی این است که کدام یک از حقوق مرز افعال ریسکی و غیر ریسکی است؛ حقوق فردی، اجتماعی، طبیعی و یا انسانی ؟ هر کدام از این رویکرد ها لوازم اخلاقی خاصی در تحمیل ریسک دارد^۲. اینکه در تعارض و تزاحم

1. If no natural-law theory has yet specified a precise line delimiting people's natural rights in risky situations, what is to happen in the state of nature? With regard to any particular action that imposes a risk of a boundary crossing upon others, we have the following three possibilities: *ibid.* 75

۲ .. انسان از آن جهت که انسان است از یک سلسله حقوق خاص که «حقوق انسانی» نامیده می شود برخوردار است و حیوانات از این نوع حقوق برخوردار نمی باشند...۲

(مجموعه آثار استاد شهید مطهری - نظام حقوق زن در اسلام ج ۱۹ ۱۶۲)

- یک سلسله چیزهاست که اینها از حقوق یک فرد و یا از حقوق یک ملت، برتر است، مقدستر است و دفاع کردن از آنها نزد وجدان بشری بالاتر است از دفاع از حقوق شخصی، و اینها همان

بین حقوق آنها، کدام ترجیح و یا تقدم دارد؟ و ملاک ترجیح فردی است و یا ملاک عامی در کار است؟ ملاک عام از حقوق احذ می شود و یا از اخلاق و عرف.^۱

۳. **شهید مطهری** ضمن بحث از قوانین ثابت و متغیر اسلام، عبارتی دارند که می توان ملاکی از جنبه دیگری در باره ریسک بدست آورد:

...برخی قوانین اسلام، مداری است نه مرحله‌ای.. اگر این اصل کلی ثابت شد که واقعاً زندگی بشر یک جنبه‌های ثابت و کلی دارد که حکم مدار حرکت را دارد و یک جنبه‌های متغیر که حکم مراحل حرکت را دارد... در روابط انسان با خدا از آن جهت که مربوط به خدا می‌شود هیچ گونه تغییری پیدا نمی‌شود، و در آنچه هم که مربوط به انسان است آنچه که روح این مطلب را تشکیل می‌دهد باز تغییر نمی‌کند. بله، در شکلش تغییراتی پیدا می‌شود که تابع شرایط است.. می‌گوید نماز بخوانید ولی بعد می‌گوید نماز ایستاده بخوانید؛ اگر نمی‌توانید، نشسته بخوانید؛.. هیکل نماز هم تغییر می‌کند... فقها معتقدند نماز «غرقی» واقعاً نماز است نه چیزی بجای نماز؛ یعنی آدمی که در حال غرق شدن است و تلاش می‌کند خودش را نجات بدهد و نمازش فقط صورت اشاره دارد (نه رکوع دارد، نه سجود، نه قرائت و نه چیز دیگر) نمازش واقعاً نماز است. اصلاً نماز یک ماهیتی است که افرادش اینقدر تغییر پیدا می‌کند، شکل فردش اینقدر عوض می‌شود؛... فقها مسئله‌ای دارند به نام «اجزاء» و آن این است که آیا نمازی که ما به صورت اضطرار می‌خوانیم جانشین نمازی که به صورت اختیار باید بخوانیم، هست یا نه؟ می‌گویند نه... (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۱، ۳۵۱)

از رویکرد فقهی شهید مطهری می توان استفاده نمود که که افعال ریسکی جنبه دیگر هم دارند، و آن اینکه ایا "همین فعل" را می شود، به شکل دیگری که ضرر محتمل را نداشته باشد انجام داده یا نه. و بنا بر این ریسک بر اساس شکلش به "**ثابت و متغیر**" تقسیم می شود. اگر شکل فعلی ثابت باشد، در صورت ضرر شکل آن فعل عوض نمی شود، اگر شرایط انجام آن نبود، می تواند انجام نشود، اما فعل متغیر فعلی است که در صورت، ضرر می توان به گونه ای

مقدسات انسانیت است. به عبارت دیگر، ملاک تقدس دفاع این نیست که انسان باید از خود دفاع کند بلکه ملاک این است که باید از «حق» دفاع کند. وقتی که ملاک «حق» است چه فرقی است میان حق فردی و حق عمومی و انسانی، بلکه دفاع از حقوق انسانی مقدستر است و امروز ولو اسمش را نبرند، در عمل به آن اعتراف دارند. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۰، ۲۴۲)

۱. تقدّم حق جامعه بر حق فرد: آنجا که میان حق جامعه و حق فرد تعارض و تراحم افتد، حق جامعه بر حق فرد و حق عام بر حق خاص تقدّم می‌یابد. حاکم شرعی در این موارد تصمیم می‌گیرد. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ۲۴۳)

دیگر انجام شود.

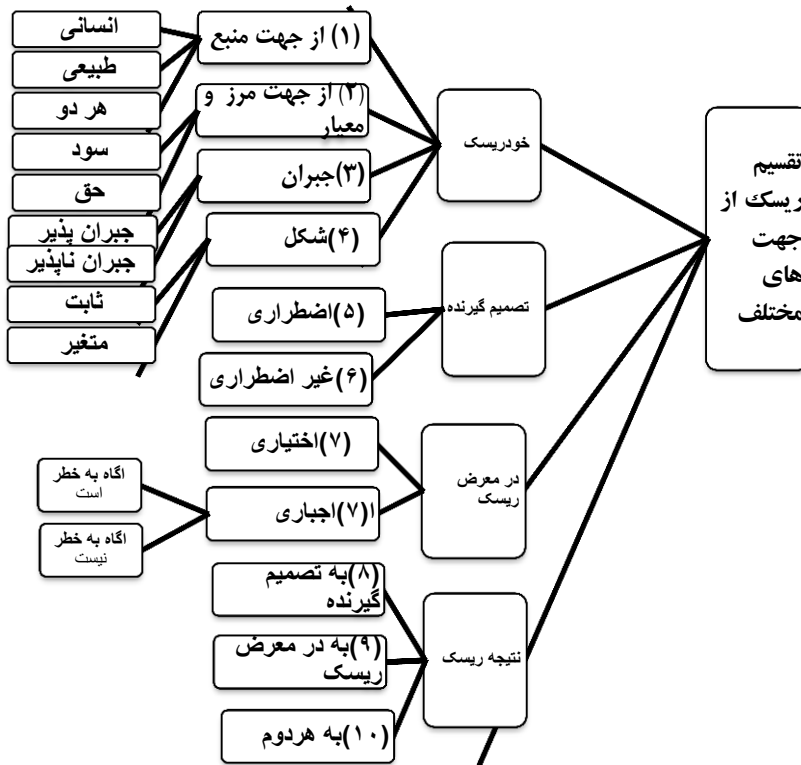
۴. کارل کرانور^۱ در نوشتاری مربوط به نحوه ی توزیع خطرات و پیامد های تصمیمات ریسکی؛ به منابع ریسک توجه کرده است. و بر اساس رویکرد وی ، ریسک ها یا ناشی و وابسته به عامل انسانی و طبیعی اند و یا وابسته به هر دو عامل . (Asveld and Roeser:2009)^۲ از این رو ریسک به "طبیعی و غیر طبیعی" تقسیم می شود.

۵. سون او. هامسون^۳ در ضمن بحثی در باره "اخلاق به عنوان مکمل تحلیل ریسک" (همان ۱۷، ۲۰۰۹). (Asveld and Roeser:2009). به خصوصیت فردی که در معرض ریسک توجه نموده و بین در معرض ریسکی که خود در معرض بودن را انتخاب کرده باشد و یا مجبور به در معرض ریسک بودن است ، تفاوت نهاده و در معرض ریسک از این جهت به "اختیاری و غیر اختیاری"^۴ تقسیم می شود. از رو می توان گفت که دیدگاه وی نظریه هرمنسون را تکمیل کرده است. یک فرد/افراد در معرض ریسک ممکن است خودشان ریسک را انتخاب کرده باشد. این افراد گاه خود تصمیم گیرنده اند و یا تصمیم گیرنده نیستند، اما از منافی که ممکن است بر این فعل مترتب شود، منتفع می شوند. در مقابل فرد یا افرادی ممکن است که به گونه ای غیر اختیاری در معرض ریسکند. از نظر وی حکم اخلاقی ریسکی که اختیاری و غیر اختیاری/ اجباری است متفاوت است. در این جا می توان رویکرد وی را با ااضانه نمودن مولفه "اضطرار" تکمیل کرد.^۵

بنا برای این می توان گفت که ریسک از جنبه ها مختلف تقسیم پذیر بود و در احکام تحمیل ریسک باید به این جنبه ها توجه کرد:

1. Carl Cranor
2. A Plea for a Rich Conception of Risks
3. Sven Ove Hansson
4. voluntary and involuntary risk exposure
۵. در حالت اضطراری انسان از طرف شخصی مورد تهدید قرار نمی گیرد، بلکه این خود اوست که انتخاب می کند ولی این انتخاب معلول شرایط سختی است که پیش آمده است؛ مانند کسی که در بیابانی درمانده و گرسنه است و جز مردار غذایی که سد جوع کند نمی یابد؛ در چنین موارد، تکلیف حرمت خوردن مردار ساقط می شود.... تفاوت اجبار و اکراه با اضطرار آن است که در مورد اجبار و اکراه، انسان از طرف یک قوه جائر و جابر مورد تهدید قرار می گیرد که فلان عمل خلاف را باید انجام دهی و اگر انجام ندهی فلان صدمه را به تو خواهیم زد، و انسان برای آنکه صدمه و ضرری را از خود «دفع» کند- یعنی نگذارد وارد شود- ناچار برخلاف وظیفه خود عمل می کند؛ ولی در اضطرار پای تهدید در کار نیست، (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ۲۹۸)

- ۱- خود تصمیم و رفتار در شرایط ریسک چهار جزء یعنی؛ منبع ریسک، جبران پذیری ریسک، شکل ریسک و معیار ریسک دارد؛
- ۲- ریسک از جهت تصمیم گیرنده ریسک، به اضطراری و غیر اضطراری (اختیاری، اجباری / قسری) (فرد، جامعه) تقسیم می شود؛
- ۳- از جهت در معرض ریسک، به اختیاری و غیر اختیاری (اضطراری، اجباری/ قسری) (آگاه، ناآگاه) تقسیم می شود؛



تصویر (۱)

بنا بر این می توان گفت که : اولاً؛ بررسی یک از جنبه های یاد شده، می تواند حکم اخلاقی متفاوتی به ریسک ارائه دهد. و در میان این جنبه ها معیار ریسک اهمیت بیشتری دارد، زیرا مرز و حدود ریسک کننده و در معرض ریسک را مشخص می کند. یعنی ریسک کننده تا چه میزانی می تواند، در شرایط عدم اطمینان تصمیم بگیرد، یا در معرض ریسک تا چه میزان می توان آگاهانه خود را در معرض ریسک قرار دهد. آیا اگر ریسک موجب مرگ فرد شود، رواست یا نارواست، اگر ریسک موجب هیچ سودی برای فرد نشود، رواست. معیار های اخلاقی

نقش به سزایی در تعیین این حدود دارند. از این رو ترسیم جنبه‌های مختلف ریسک، تبیین توجیه و روایی ریسک را از یک سو دقیق و از سوی دیگر پیچیده می‌کند.

دوما؛ بررسی نوشتارها در باره‌ی ریسک روشن نمود، که نویسندگان در این حوزه، همه جنبه‌های ریسک را مورد مذاقه قرار نداده‌اند و از این رو حکم اخلاقی مستوفایی را نمی‌توان از پژوهش‌های آنان نمی‌توان استنتاج نمود.

۱.۱. توجیه تحمیل ریسک^۱

پیشتر گذشت که ریسک بخشی از زندگی فردی و اجتماعی و حتی زندگی انسان و طبیعی در جهان طبیعی است. و زیست انسانی در جهانی متغیر است و انسان قدرت کسب اطلاعات کامل محیط پیرامونی خود را ندارد و گاه مجبور است در شرایط عدم اطمینان تصمیم بگیرد. اما آیا این نوع تصمیمات توجیه عقلانی دارد؟ راهبرد اخلاقی برای توجیه اخلاقی آن چیست؟

"عقلانیت ریسک"، مفهوم وسیعی است که هم به معانی که از عقلانیت و ریسک می‌شود وابسته است. اگر ریسک در معنای فنی تعریف شود، واژه "عقلانیت ریسک" مانند "عقلانیت علم" می‌گردد (رک (Shrader-Frechette:1991))، و لی نوشتار کنونی به معنای عام و عرفی ریسک توجه دارد. از این رو واژه عقلانیت ریسک ناظر به معنای عقلانی بودن رفتار در شرایطی که پیامد مشخص نبوده، خطر آفرین است، یا ممکن است صدمه ایجاد کند، اخذ شده است.

عقلانیت تعریف همه پسندی ندارد. اما یک تعریف عام تر تعریف ارسطو است. که دو جنبه نظری و عملی برای عقلانیت ذکر نموده است (Mele and Rawling:2004). عقلانیت اخلاقی نیز به دو جنبه مذکور تحلیل می‌شود. گنسلر

دو شرط "آگاهی و سازواری" را برای عقلانیت اخلاقی ذکر کرده‌اند، (گنسلر، هری جی، ۲۲۶)؛ گنسلر، که می‌توان آنها را برای عقلانیت ریسک نیز استفاده نمود. در تفسیر این سخن می‌توان گفت که آگاهی مولفه‌ای است که فقط به "عقلانیت نظری" مربوط است، و لی سازواری مولفه‌ای است که به عقل نظری و عملی مربوط است. سازواری میان اندیشه و عمل، سازواری در اندیشه، سازواری در عمل انسان؛ سازواری میان اندیشه‌های یعنی انسان به باور ها و نگرش‌های متناقض معتقد نباشد، سازواری در اندیشه و عمل در یعنی بین عمل و اندیشه انسان تناقض نباشد و سازواری در عمل، یعنی انسان رفتارهای متناقض نداشته باشد

و این نوع سازگاری در "رفتار منصفانه و عادلانه" انسان تجلی می‌یابد.^۱ از این رو آگاهی، عقلانیت نظری و انصاف و عدالت عقلانیت اخلاقی را تضمین می‌کند. در اینجا عقلانیت، عقل عملی مهم‌تر از عقلانیت نظری است زیرا عدالت و انصاف از جمله گرایش‌های عالی است. شهید مطهری در کتاب انسان و ایمان بر آنها تأکید کرده و آنها را شرط رفتار انسانی می‌داند: «انسان را عقل و علم و آگاهی و تدبیر او تشکیل می‌دهد، اما شرط کافی نیست. فعالیت انسانی آنگاه انسانی است که علاوه بر عقلانی بودن و ارادی بودن، در جهت گرایش‌های عالی انسانیت باشد و لاقلاً با گرایش‌های عالی در تضاد نباشد، و آلاً جنایت‌آمیزترین فعالیت‌های بشری احیاناً با تدبیرها و تیزهوشیها و مآل‌اندیشیها و طرح‌ریزیها و تئوری‌سازیها صورت می‌گیرد... در اصطلاحات دینی اسلامی، نیروی تدبیر آنجا که از گرایش‌های انسانی و ایمانی جدا می‌شود و در خدمت اهداف مادی و حیوانی قرار می‌گیرد، «نکری» و «شیطنت» نامیده شده است... (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص: ۵۷) (از این رو، مولفه‌های عقلانیت اخلاقی ریسک، آگاهی، عدالت و انصاف است.

اکنون می‌توان گفت که بدون توجه به جنبه‌های متفاوت ریسک، تبیین حکم اخلاقی آن مشکل است. برای مثال از اقسام ذکر شده در تصویر (۱) همه موارد مولفه‌های مذکور را ندارند از رو ریسک‌های اجباری که فرد از آن آگاهی ندارد، از جهت فقدان آگاهی و ریسک‌های جبران‌ناپذیر و جبران‌نشده، فاقد مولفه‌های عدالت و انصاف بوده و از این رو فاقد عقلانیت نظری و عقلانیت اخلاقی است.

به نظر می‌رسد که عنصر آگاهی در مولفه عقلانیت نیاز به تدقیق بیشتری دارد، زیرا مشخص نیست که مراد آگاهی بالفعل است یا بالقوه، به نظر می‌رسد آگاهی بالفعل مراد در توجیه یک عمل موثر است. اما اینجا مسئله این است که اگر برخی در معرض ریسک‌ها، شان آگاهی را نداشته و از این رو نتوانند، بالفعل به آگاهی متصف شوند، آیا ریسک نسبت به اینها چه اخلاقی است، مثلاً اگر احتمال / عدم احتمال آلودگی هوا عنصری در تصمیم‌گیری برای ایجاد یک کارخانه در منطقه خاصی باشد، اگر مردم آن منطقه به خطرات احتمالی ایجاد کارخانه در

۱. رک سایت پژوهشکده باقرالعلوم، عقلانیت، رک رای توضیح بیشتر در این مورد ر.ک: راهی به رهایی، مقاله دین و عقلانیت، مصطفی ملکیان، (تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱)، ص ۲۶۵-۲۶۸؛ نیز ر.ک: مبانی معرفت دینی، محمد حسن زاده، (قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، ۱۳۸۰)، ص ۶۴-۷۷.

[۳]. ر.ک: دین در ترازوی اخلاق، ابوالقاسم فنایی، (تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴)، ۱۱۲-۱۱۶.

آن منطقه آگاه باشند و به دلیل انتفاع به منافع آن به گونه ای رضایت خود را ابراز کرده باشد، از این رو این ریسک رواست، اما اگر سوال شود که خطر احتمالی برای محیط که نسبت به خطر آگاه نیست، چه می شود، آیا این ریسک نسبت به محیط هم موجه است؟ به نظر نیاز به پژوهش بیشتری است.

عناصر رفتار منصفانه را می تواند از کلام برخی از نویسندگان برای توجیه تحمیل استنتاج نمود، زیرا **اولاً**: اگر "تصمیم گیرنده و ریسک کننده و در معرض ریسک" در نوعی داد و ستد ریسک قرار دارند و مصالح آنها در گرو این داد و ستد متقابل است:

....انسانها در رفتار متقابل ریسکی قرار دارند، رانندگی من، شما را به مخاطره می افکند و رانندگی شما مرا به مخاطره می اندازد. در این صورت ما داد و ستد احتمالات خطر را عقلا می پذیریم و تحمیلی در کار نیست. و اگر اینگونه باشد، منع ریسک نیازمند به دلیل است، همانگونه برای ریسک کردن دلیل نیاز دارد. (Asveld and Roeser:2009) (۲۱/)

دوماً: در ریسک منافع انسان نهفته است؛ علامه طباطبایی معتقد است که زندگی اجتماعی انسان به داد و ستد مصالح استوار است و اگر این داد و ستد نبود زمین به تباهی می گرایید ایشان در ذیل ایه شریفه "وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ" می فرماید:

"در سابق توجه فرمودید که گفتیم: در این مقام است که به حقیقتی اشاره کند که اجتماع انسانی بر آن متکی است، و آبادانی زمین وابسته به آن است، و اگر اختلالی در آن پدید آید نظام آبادی زمین مختل گشته، و حیات در زمین رو به تباهی می گذارد، و آن حقیقت عبارت است از غریزه استخدام، که خدای تعالی آن را جبلی و فطری انسان کرده است، چون همین غریزه استخدام است که سرانجام به اینجا منتهی می شود که انسانها منافع خود را با یکدیگر مصالحه کنند و اجتماع مدنی پدید آورند. و گو اینکه پاره‌ای از رگ و ریشه‌های این استخدام تنازع در بقا و انتخاب طبیعی است،.." (ترجمه المیزان، ج ۲، ص: ۴۶۳)

از نظر علامه با مصالحه به نوعی از حقوق محافظت می شود، زیرا انسان مانند حیوانات حقوقی دارد که فطرتاً از آن دفاع می کند تا منافع خود را حفظ کند، "دفاع از حقوق انسانیت حقی است مشروع و فطری" که برای حفظ آن هر چیزی حتی ممنوعان خود را به استخدام می گیرد، گاه برای کسب و یا حفظ منافع به زور و گاه صلح متوسل می شود، "و لی انسان در زندگی اجتماعی این را می فهمد، که ممنوعانش در "احتیاج به منافع" مانند او هستند. لذا ناگزیر می شود که به منظور حفظ تمدن و عدالت اجتماعی با ممنوعان خود مصالحه کند، یعنی از آنان آن مقدار خدمت بخواهد که خودش به آنان خدمت کرده، و بدیهی است که "تشخیص برابری و نابرابری این دو خدمت و میزان احتیاج و تعدیل آن به دست اجتماع است" ممکن است انسان از "آن حقی که به خاطر آن می خواهد دفاع کند آن چنان اهمیتی ندارد که

به خاطر استیفایش دست به جنگ و خونریزی بزند، از این رو از آن حق صرف نظر می‌کند، چون می‌بیند برای دفاع از آن ضرر بیشتری را باید تحمل کند، و اما اگر دید منافعی که در اثر ترک دفاع از دست می‌دهد، مهم‌تر و حیاتی‌تر از منافعی است که در هنگام دفاع از دستش می‌رود، در این صورت تن به دفاع و تحمل زحمات و خسارات آن می‌دهد" (طباطبائی، ج ۲، ص: ۱۰۴)

در این صورت ریسک‌پذیری و ریسک‌کردن می‌تواند مبتنی بر جهت‌های فطری انسان و به نوعی بر گزینه استفاده انسان برای کسب منافع خود مبتنی شود. این شرح از عقلانیت که انسان بر اساس منفعت تصمیم و رفتار خود را تنظیم کند، در "نظریات تصمیم" هم مشهود است. گزینه انتخابی فاعل عقلانی در رویکرد یاد شده، امکان حصول "حداکثر سود مورد انتظار"^۲ است. (Timmons:2007 , p157). ممکن است، این اشکال به نظر آید که در شرایط ریسک ممکن است سنجش "میزان احتمال" هم با ابهام مواجه باشد، چگونه می‌توان از فاعل انتظار داشت که عقلانی رفتار کند. به نظر می‌رسد که از رویکرد علامه طباطبائی پاسخ مناسبی به این ایراد بدهد. خود مصالحه منافع، می‌تواند یک سود حداکثری داشته باشد، انسان در داد و ستد منافع، ممکن است، در یک مورد در شرایط ریسک سود حداکثر را در مصداق خاص بدست بیاورد، و این شرایط برای همه حاصل می‌شود.

بنا بر این ریسک موجه ریسکی آگاهانه، عادلانه و مبتنی بر مصالح فردی و اجتماعی است.

۱.۲. راهبردی برای ریسک مقبول^۳

پیشتر شرح رفت که تصمیم در شرایط عدم اطمینان به گونه‌ای است که احتمالات گوناگون وجود دارد که انسان به آن احتمالات وقوف کامل ندارد و به عبارت دیگر نمی‌داند که انگیزه، خصوصیات و نتایج فعل چیست، تا فعل مصداقی از یک از صفات اخلاقی درست و نادرست و خوب باشد، پس فعلی با اوصاف اخلاقی نامتعیین^۴ است. از این رو اگر آگاهی کامل نیست، نمی‌توان درباره فعل به شکل متعین و مشخص از اوصاف اخلاقی اوظیفه، سود حداکثری و سود اقلی و یا ضرر حداقلی سخن گفت و در نتیجه استفاده از نظریات اخلاقی در موارد ریسکی نیاز به تامل دارد. در این صورت، آیا نظریات اخلاقی را باید کنار نهاد و یا اصلاح کرد و یا راه سوم را پی گرفت؟ آیا از نظریات اخلاقی می‌توان روشی برای تصمیم‌گیری مقبول استفاده نمود؟ به نظر می‌رسد که سید گویج اشاره به راهکار سوم دارد:

سید گویج برای حل این مسئله بین ملاک درستی و نادرستی و که فعل را درست و یا

1. decision theory
2. expected utility
3. risk acceptance
4. undetermined properties

غلط می‌سازد و بین اینکه در عمل چه تصمیمی باید گرفته شود تفاوت می‌گذارد. شاید به نظر اینگونه باشد که سید گوپچ حل مسئله تحمیل ریسک را به عمل ارجاع می‌دهد. از نظر وی محتمل است که شخصی در معیار درستی و نادرستی سود گرایی را لحاظ کند، اما در عمل به گونه تصمیم بگیرد که کمترین صدمه به دیگران برسد، و یا به افرادی که سود بیشتر رسیده است، صدمه کمتر برسد. مبتنی بر این رهبرد نظریات اخلاقی می‌توانند، شیوه‌هایی عملی محسوب شوند که فرد در عمل بکار می‌گیرد و "تلاش برای یافتن فعلی که سود حداکثری را به بار آورد، یک متد تصمیم است" که سید گوپچ از تمایز میان، ملاک درستی و نادرستی فعل و اصول اخلاقی که برای عمل مفید است، ارائه داده است.

(Asveld and Roeser:2009, p 62).

بنا بر این به نظر می‌رسد که بر مبنای روش سید گوپچ، ریسک بخشی از مباحث نظریات تصمیم می‌شود، که از چگونگی تصمیم در شرایط عدم اطمینان بحث می‌کند. در این نظریات عمدتاً به شیوه سود گرایی متدی برای تصمیم نگریسته می‌شود. یعنی تصمیم بر اساس منافع حداکثری و حداقل هزینه‌ی مترتب بر تصمیم گرفته می‌شود. در شرایط ریسکی بر اساس نظام سودگرایی اخلاقی، نتایج و سود حداکثری که بر فعل مترتب شود، در درستی و نادرستی افعال نقش اساسی دارند. و به نظر می‌رسد که تفاوت نگاه سود گرایی اخلاقی به عنوان معیار درستی و نادرستی فعل با سودگرایی به عنوان مدل سود و هزینه‌ی نظریه تصمیم، آن است که در نظریه تصمیم رویکرد سود و هزینه رویکرد اخلاقی نیست، یعنی منافع بر اساس ارزشها تعریف نمی‌شوند و یا اگر تعریف شوند، ارزشها مفروض فرض می‌شوند، اما در رویکرد سود گرایی سود مندی ارزش است، اگر فعلی بیشترین سود را داشت خوب و درست است. علاوه بر آن در نظریه تصمیم "مدل سود و هزینه" شیوه‌ای برای "درست تصمیم گرفتن" است و نه "تصمیم درست". در سود گرایی ملاک سود گرایی انسان را به تصمیم اخلاقاً درست هدایت می‌کند.

با این توضیحات می‌توان از نظریه سود گرایی به عنوان متدی برای تصمیم مقبول در شرایط ریسک استفاده نمود مقبولیت ریسک و جوهی سه گانه دارد، مقبولیت ریسک نسبت به تصمیم گیرنده، نسبت به در معرض ریسک و نسبت به سود برنده از ریسک. اما بدان جهت که این نوشتار بر جنبه تحمیل ریسک تاکید دارد، و تحمیل فی الجمله به در معرض ریسک مربوط است، لازم است که ریسک مقبول از منظر در معرض ریسک بررسی شود. برخی برای ریسک مقبول از این شیوه استفاده نموده و فروض متفاوتی را طرح کرده اند. اما به دلیل آنکه از جهاتی نقص دارد، مانند عدم توجه به حقوق طبیعی و فقدان مولفه عقلانیت اخلاقی نگارنده به رویکرد

های ترکیبی دیگر توجه نموده است. (Donaldson:2008,109) (Hansson:2003,291):

- ۱- یک ریسک مقبول است، فقط و فقط اگر نتایج واقعی^۱ بر آن مترتب باشد.
 - ۲- یک ریسک مقبول است فقط و فقط اگر حداکثر نتایج مورد انتظار^{۳۳} فرد را برآورده سازد
 - ۳- یک ریسک مقبول است فقط و فقط اگر حداکثر نتایج مورد انتظار اکثریت را برآورده کند
 - ۴- یک ریسک مقبول است فقط و فقط اگر حداکثر نتایج مورد انتظار فرد و دیگران را برآورده کند
 - ۵- یک ریسک مقبول است فقط و فقط اگر حداکثر نتایج مورد انتظار فرد و دیگران را برآورده کند، به اکثریت را برآورده کند. و در معرض ریسک در تصمیم گیری دخالت داشته باشد.
 - ۶- یک ریسک مقبول است فقط و فقط اگر حداقل نتایج مورد انتظار را برآورده سازد.
- بررسی هر یک از فرض ها، نشان از مزیت و نقصان هایی دارد.

رویکرد نخست، در تعریف ریسک به امور عینی توجه نمود، و توجه به امور عینی ریسک های اجتماعی را سنجش پذیر تر و عینی تر می کند، و فرد را در تصمیم گیری محتاط تر می کند، اما در عین حال از آن رو که فرد اطلاعات کامل ندارد، فهم نتایج عینی مشکل است.

رویکرد دوم، خود مختاری فرد در معرض ریسک را، خیلی تحدید نمی کند، اما در عین حال نقش مسئله عدالت در آن مبهم بوده و عدم توجه به نقش جامعه در این رویکرد، ممکن است منجر به اختلال در زندگی اجتماعی شود. مثلا اگر رانندگی برای فردی که ماشین ندارد، حداقل سود را دارد، پس ممکن است که وی در مقام "تصمیم گیرنده ی در معرض ریسک"، رانندگی را ممنوع کند.

رویکرد سوم، نقش اجتماع را در تصمیم گیری برجسته می کند، اما **اولا:** با خود مختاری فرد در معرض ریسک، در تعارض است؛ **دوما:** تاکید محض بر ملاحظات اکثریت، مانع تصمیمات محتاطانه می شود. زیرا به محض امکان حصول سود برای اکثریت حکم به روایی ریسک می شود؛ **سوما:** عدم مداخله ی فرد در معرض ریسک، در تصمیم گیری ممکن است به تصمیمی منجر شود که به نقض حقوق طبیعی فرد در معرض ریسک شود. برای مثال اگر قرار باشد که برای محلی که گاز به "احتمال کمی" در حال نشت است، تصمیمی گرفته شود، و تصمیم گیرنده دو راه در پیش روی دارد، **اول** آنکه تعمیر کاری (که بنا بر فرض یک نفر است) برای تعمیر آن دعوت کند، در این فرض به "احتمال زیاد" زندگی فرد یاد شده، در معرض

-
1. Actualism
 2. Expected utility
 3. maximization and the maximin rule.

خطر واقع می شود، و راه دوم آنکه، لوله گاز تعمیر نشود، در این صورت به "احتمال بسیار کم"، "جان افراد بسیاری" در معرض خطر قرار می گیرد. بنا بر اصل سود گرایی حداکثری، تصمیم اولی درست است. و بنا بر قانون نظریه طبیعی، راه حل دوم درست است، زیرا در راه حل اول به احتمال زیاد حق طبیعی فرد نقض می شود. در اینجا هم تصمیم گیری مشکل است، مگر اینکه میزان احتمال های دقیقاً مشخص شود.

رویکرد چهارم، گرچه فرد و جامعه را در سود ناشی از ریسک مداخله داده است، اما برای تعادل و توزیع میان ریسک و سود، به نظریه در باب عدالت نیاز است تا نحوه توزیع ریسک، رابطه حق اجتماع و حق فرد را تبیین کند. پس این رویکرد نیاز به اصلاح دارد.

رویکرد پنجم؛ کم و بیش مشکلات رویکرد اول را دارد، علاوه بر این باید تبیین کند که چگونه فرد در تصمیمات اجتماعی مداخله کنند. پس این رویکرد هم به اصلاح و یا تکمیل نیاز دارد.

رویکرد ششم؛ از این نظر که فرد به کمترین سود قانع می شود و قناعت به سود کمتر، در شرایط ریسکی عاقلانه تر است، مزیت دارد، زیرا به نظر می رسد که در شرایط ریسکی به دلیل عدم وقوف بر شرایط و نتایج، تاکید بر سود حداکثری، ممکن همراه با خطر بیشتر باشد ولی اگر به حداقل سود مورد انتظار اکتفا شود، ممکن است متحمل خطرات کمتر شود، مثلاً اگر راننده ای قصد سفر به شهری را دارد، که در مسیر ممکن است با خطراتی مواجه شود. این راننده می تواند فقط به اصل رسیدن به مقصد به عنوان یک مطلوب توجه کند، اگر وی علاوه بر به مقصد رسیدن، بر زمان کوتاه هم را به گزینه مطلوب خود اضافه کند، ناچار است سرعت خود را بالا ببرد، در این صورت خطرات که وی با آن مواجه می شود، دو برابر می شود.

در تمام رویکردهای یاد شده اشکال عمده ای که رابرت نوزیک به آن توجه کرده، وجود مواجهه است، یعنی مسئله جبران پذیری و ناپذیری صدمات و پیامدها ناشی از تصمیمات ریسکی و عدم توجه به حقوق طبیعی انسان. بنا بر این می توان مقبولیت ریسک را براساس حقوق طبیعی ترسیم کرد:

۷- یک ریسک مقبول است فقط و فقط اگر حق طبیعی را نقض نکرده و جبران پذیر باشد، مشکل این رویکرد آن است که هنگامی که آن را در شرایط ریسک ملحوظ می شود، پای "احتمال" به میان می آید، تاکید بر "احتمال" و ابهام در "میزان احتمال" مسئله را پیچیده می کند، مگر اینکه حد احتمال مشخص شود، مثلاً تصمیم X مقبول است، فقط و فقط اگر موجب مرگ انسان نشود، با رویکرد "احتمال" بسیاری از اعمال محتمل است که موجب نقض حقوق طبیعی شوند، پس انسان در این رویکرد ضرورت دارد که محتاطانه عمل کند، زیرا بسیاری از افعال ممکن است و لو با "احتمال اندک" به مرگ دیگران بیانجامد، در این صورت

بسیاری از افعال ممنوع شده و نظام اجتماعی مختل میشود.

۸- به نظر می‌رسد، ریسکی مقبول است که حقوق طبیعی و انسانی فرد نقض نشده و یا در صورت امکان جبران شود؛ این رویکرد از اینکه تقدم و تاخر حقوق مبهم است، به نیاز اصلاح دارد.

۹- به نظر نگارنده در ریسک مقبول تمسک به شیوه ترکیبی مفید تر است. از این رو لازم است که از "تمایز سیدگوییچ، بین معیار درستی و نادرستی و متد عملی شیوه تصمیم" و "تفکیک هرمنسون بین در معرض ریسک، تصمیم گیرنده و سود برنده از ریسک"، "نقض حقوق و جبران پذیری و ناپذیری نوزیک" را در رویکرد سود گرایی ریسک مقبول بکار بست. که در تصویر (۲) این شیوه بکار رفته است.

۱.۳. نقد رویکردهای در ریسک

نظریات ریسکی چه در حوزه توجیه، چه در حوزه مقبولیت، و چه در حوزه توزیع نگاهی انسان محورانه دارند، تحلیل ریسک با ملاک سود و زیان در حوزه انسانی به تحلیل ریسک می پردازد. نظریه عدالت رالز نیز نگاهی انسان محورانه دارد. در نظریه حق طبیعی نو حق انسانی نیز همین نگاه انسانی است. در نگاه دینی انسان در مقابل خود و محیط خود مسوول است و در معرض ریسک فقط انسان نیست، بلکه موجودات طبیعی همانند، درخت و حیوانات نیز نباید در معرض خطر باشند.

علاوه بر این به نظریه ای در باره قلمرو تحمیل ریسک و مرز تحمیل محتاجیم، آیا تحمیل مفهومی است که در حوزه موجودات صاحب اختیار مطرح می شود و یا تحمیل در امور غیر انسانی مطرح است. به این معنا که موجودات طبیعی نیز حقی دارند که تضييع حَقشان نوعی تحمیل ریسک است: "اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ، فَانَّكُمْ مَسْؤُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ" از کلام معصوم می توان استنتاج نمود که توجه دین اسلام عدم تحمیل ضرر به همه موجودات است، خواه انسان باشند یا نباشد.

۱.۴. نتایج

۱. انسان در وضعیت ریسک، عدم تعین و عدم اطمینان دو راه دارد، به دلیل آنکه تصمیم وی ممکن است، خطری را بر دیگران تحمیل کند، تصمیم نگیرید و امور را معطل بگذارد و یا تصمیم گرفته و امکان خطر و صدمه را به دیگران تحمیل کند، معطل ماندن امور در این شرایط "خود یک ریسک" است که پیامد آن مبهم است، و تصمیم گرفتن هم ریسکی است که پیامد آن مبهم است، اما به نظر می رسد که تصمیم نگرفتن دو خطر همراه دارد، یقین به معطل ماندن امور و تحمیل خطر احتمالی، اما تصمیم گرفتن تنها یک خطر تحمیل خطر و صدمه احتمالی را دارد.

۲. توجیه ریسک در بستر نظام اجتماعی، سهل می نماید، زیرا به دلیل آنکه نظام اجتماعی بدون ریسک متقابل شکل نگرفته و به قول علامه طباطبایی انسانها بر مبنای فطرت" در نظام اجتماعی مصالح خود را با یگدیگر به مبادله" گذاشته و " نحوه مبادله مصالح" را خود انتخاب می کنند. از این رو می توان اصل ریسک بر اساس مصالحه منافع عقلایی دانست و تحمیل ریسک را بر اساس داد و ستد منفعت و ضرر و تحمیل های متقابل توجیه نمود.

۳. عقلانیت اخلاقی، منوط به استیفای شروط عقلانیت یعنی آگاهی و عدالت است. با تفکیکی که از جنبه های مختلف ریسک شد، شروط عقلانیت برای مولفه مختلف متفاوت است. شرط عقلانیت ریسک نسبت به معرض ریسک آگاهی است، و نسبت به تصمیم گیرنده ریسک، آگاهی و عدالت است. از این رو عقلانیت نسبت به در معرض ریسک، بیشتر نظری، و در تصمیم گیرنده هر دو مولفه مهم است. (اما شرایط آگاهی در معرض ریسک و نحوه عادلانه توزیع خطرات مسائلی است که به بررسی بیشتری نیاز دارد).

۴. اگر "منبع" ریسکی طبیعی باشد، تصمیم گیرنده انسانی در وقوع آن تاثیر ندارد و از این رو شاید تحمیل ریسک معنا نداشته باشد، اما مسائل اخلاقی دیگری در آن قابل طرح است، آیا جبران پذیر است و اگر جبران پذیر است آیا اندیشه های اخلاقی می تواند در جبران این ریسک های به انسان کمک کند، راهکار های اخلاقی مانند عدالت چگونه در جبران، مدیریت و کنترل دارد، نقش دارد، آیا اصل عدالت در نحوه مدیریت و کنترل به انسان کمک کند که به نحو عادلانه ای این صدمات در صورت وقوعی جبران شود. مسئله دیگر اینکه آیا اندیشه های اخلاقی می تواند در توجیه تحمیل این نوع ریسک به انسان کمک کند؟ در پاسخ به این دو پرسش اندیشه و حالات اخلاقی نقش مهمی دارند، که خود نوشتاری دیگر را می طلبد.

۵. اگر "در معرض ریسک" با اختیار خود در معرض ریسک باشد، مثلا خود تصمیم گیرنده باشد و یا ورود در وضعیت ریسکی به انتخاب خود او بود، مسائل اخلاقی خواهد داشت. آیا انسان مذکور خود را در معرض ریسک قرارداده به این معنا است که "خود ریسک" را انتخاب کرده و یا هدف او وصول به سود ریسک بوده است. و اگر هدف او خود ریسک بوده آیا درست است که کسی عمدا خود را در معرض خطر قرار دهد. (Asveld and Roeser:2009) (ص ۱۷).

۶. "شکل فعل" مسائلی ای است که می تواند، راه حلی برای این شرایط باشد، همانطور که گذشت شهید مطهری معتقد است که صورت فعل در ماهیت فعل تاثیر ندارد. برخی افعال که نتایج ناگواری دارند، ممکن است که در شکل دیگر اتفاق افتد، این نتایج را نداشته باشند، در این صورت همان فعل را به شکل و صورت دیگر می توان انجام داد

۷. بیشتر گذشت که رابرت نوزیک ریسک را بر پایه نظریه حق استوار کرد، وی معتقد

است که اگر ریسک حقی را که قابل جبران نیست، نقض کند، ریسک ممنوع است، ولی اگر بتوان جبران همه مافات شود، خواه حق را ضایع کرده باشد، یا نه؛ ریسک رواست. اما مشخص نیست که اگر ملاک وی در ریسک حق است، چرا باید ریسکی که حقی را ضایع نکرده، جبران مافات کند؟ (Nozick:1999) ۷۶)

۸. مشکل بتوان گفت که با تفکیک سید گویچ بین "معیار درستی و نادرستی فعل و متد تصمیم" مسئله تصمیم درست در شرایط ریسک حل شده باشد، زیرا در شرایط ریسکی ما با احتمالات نامعلوم و یا وضعیت نامتعین روبرویم، فقدان شناخت و یا تبدل واقعیت، اموری اند که انتخاب رهبرد را مشکل میسازد. **ایا در اینجا انتخاب روش و متد عمل، خود یک تصمیم ریسکی نیست.** در این صورت تفکیک سید گویچ تحمیل ریسک را حل نمی کند

راه حل نهایی حرکت با لحاظ جنبه های مثبت رویکردهای چندگانه است ترکیب نظریه هارمسون، رابرت نوزیک و سودگرایی است، هرمنسون که به تفکیک بین ریسک کننده و در معرض ریسک و سود برنده توجه کرده و رابرت نوزیک که جبران پذیری و حق را لحاظ کرده و در نهایت در سودگرایی که مبتنی بر استیفای سود اکثریت است. این ترکیب در جدول (۲) ارائه شده است، این جدول نشان می دهد که در نظام سود گرایی و تفکر رابرت نوزیک موجه بودن ریسک امر انسانی نیست، به خصوص که می توان عناصر دیگری را در جدول مانند، آگاهی و نا آگاهی، ارادی و غیر ارادی بودن ریسک، ممنوع و جایز بودن ریسک (در نظام قانون طبیعی که برخی ریسک ها را جایز می داند)، روند درست و نادرست، (که سید گویچ مطرح کرد) و شکل فعل که شهید مطهری طرح کرد، به ان اضافه کرد. از این رو در تصمیمات فردی و به خصوص اجتماعی نمی توان به راحتی حکم به درستی و نادرستی ریسک کرد.

نتایج مذکور این نوشتار در قالب یک جدول ارائه شده است:

تصویر (۲)

گروه	وضعیت		فعل	معیار		
	در معرض ریسک			اکثریت	نقض حق طبیعی	نقض حق انسانی
	آگاه	ناآگاه				
الف	*	---	---	*	---	
ب	*	---	---	*	---	
ت	*	---	---	*	---	
پ	*	---	---	*	*	
ث	*	---	---	-	---	
ز	*	---	---	---	---	
ر	---	---	---	*	---	
د	---	---	---	*	---	
ذ	*	---	---	*	*	
ر	*	---	*	*	*	
ز	*	---	*	*	*	
و	*	---	*	*	*	

- ریسک نسبت به "الف" عقلانی و موجه و مقبول نیست، زیرا در الف در معرض ریسکی است که نسبت به ریسک آگاه نبوده و از تصمیم گیرنده نیست، حق طبیعی او بدون جبران نقض شده است، چنین ریسکی بنا بر نظر رابرت نوزیک و سود گرایی روا نیست
- ریسک نسبت به گروه "ب" از آن رو که وی از آن اطلاع دارد و عقلانی است ولی با نمی توان گفت اخلاقی است، زیرا با معیارهای مطرح شده در شرایط ثابت روا نیست، به طریق اولی در این وضعیت ممنوع است
- ریسک نسبت به گروه "ت" عقلانی است و از نظر رابرت نوزیک نا مقبول و از نظر سود گرایی مقبول است
- ریسک نسبت به "پ" عقلانی نیست، زیرا در معرض ریسک از ریسک آگاه نیست. از نظریه مختار این نوشتار اخلاقی نیست و حقوق انسانی او نقض شده است. این جدول می تواند به همین گونه تحلیل شود و نتایج اخلاقی آن استخراج شود.

فهرست منابع

۱. م. مرتضی، et al. مجموعه آثار.
2. Asveld, L. and S. Roeser (2009). The ethics of technological risk, Earthscan/James & James.
3. Christian.Munthe (2011). The Price of Precaution and the Ethics of Risk
4. Donaldson, T. (2008). "The Ethics of Risk." The Ruffin Series in Business Ethics: 109.
5. Hansson, S. O. (2003). "Ethical criteria of risk acceptance." Erkenntnis 59(3): 291.
6. Hillerbrand, R. S., P.Roeser, S.Peterson, M., Ed. (2011). Handbook of risk theory: epistemology, decision theory, ethics and social implications of risk.
7. Jeanne X. Kasperson and Roger E. Kasperson, w. c. (2005). Risk Analysis, Corporations and the Globalization of Risk. The Social Contours of Risk:
8. ,Earthscan in the UK and USA. Volume II:
9. Mele, A. R. and P. Rawling (2004). The Oxford handbook of rationality, Oxford University Press Oxford.
- 10.Nozick, R. (1999). ANARCHY, STATE,AND UTOPIA ROBERT NOZICK. Oxford UK 6- Cambridte USA, BLACI<WELL.
- 11.Shrader-Frechette, K. S. (1991). Risk and rationality: Philosophical foundations for populist reforms ,Univ of California Press.
- 12.Timmons, M., J. Greco, and A.R. Mele (2007). Rationality and the good: Critical essays on the ethics and epistemology of Robert Audi Oxford University Press, USA, Oxford University Press, USA
- 13.Woodward, J. L. and R. Pitbaldo (201). LNG risk based safety: modeling and consequence analysis, Wiley-AIChE.
۱۴. طباطبایی، م. ح. ترجمه تفسیر المیزان
۱۵. گنسلر، درآمدی بر فلسفه اخلاق.
۱۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار